

تحلیلی بر نهضت‌ها

نهضت‌ها و حرکت‌های سیاسی-دینی تاریخ ایران اسلامی را می‌توان در پنج مقطع کلی ارزیابی و بررسی نمود:

۱- نهضت‌ها و جریان‌ات از ورود اسلام به ایران تا قرن سوم هجری.

۲- نهضت‌ها و جریان‌ات از قرن سوم تا عصر صفویه (مقالات حاضر).

۳- نهضت‌ها و جریان‌ات عصر صفویه.

۴- نهضت‌ها و جریان‌ات از سقوط صفویه تا عصر مشروطیت.

۵- نهضت‌ها و جریان‌ات از عصر مشروطیت تا کنون.

البته این تقسیم‌بندی قطعی نیست و بدون شک با توجه به سیر ادواری تاریخ ایران مطرح گردیده و هر یک از این دوره‌ها خود به چندین مقطع قابل تقسیم است.

درباره پارهای از این نهضت‌ها، کتاب و مقاله منفرد و تاحدودی مفصل نیز به قلم آمده است، خصوصاً در زمینه اسماعیلیه و نهضت حسن صباح و نهضت سرداران.

لازم به تذکر است که نهضت سرداران دست‌خوش نوعی سرداران‌زدگی شده و هر از چندگاهی کتابی یارساله‌ای در این زمینه به بازار می‌آید که بدون عنایت و توجه به تحقیقات متقدمین است.

در این نوشته‌ها نظر نگارنده با توجه به زمینه‌بستر تاریخی، وقایع‌نگاری محض نیست که سبب ملالت خاطر خوانندگان خواهد شد. بلکه توجه بیشتر به جنبه‌های سیاسی و دینی این حرکت‌ها خواهد بود. و در این میان فقط محروم‌های اصلی حرکت‌ها و نهضت‌هایی ملحوظ است که نقش‌و‌اثر سیاسی-دینی در تاریخ ایران اسلامی بر جای نهادند، نه ذکر و شرح همه آنها.

خطا آید ز داننده دبیران

گنه آید ز کیهان دیده پیران

یادداشت‌های ذیل، که نخستین قسمت آن تقدم می‌گردد، مدخلی است بر شناخت حرکت‌ها و جریان‌ات سیاسی-دینی ایران اسلامی از قرن سوم هجری تا عصر صفوی.

اینکه چرا نگارنده این مقطع از تاریخ ایران را به عنوان محور مطالعه قرار داده، صرفاً جهت شناخت بیشتر با جنبش سیاسی-دینی صفویان است که اثرات مثبت و منفی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (حتی تاکنون) بر تاریخ ایران بر جای نهاده است.

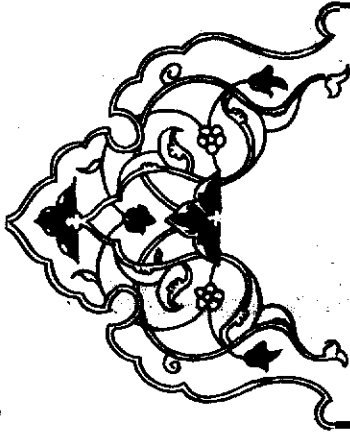
علیرغم آثار و مقالاتی که در زمینه احوال صفویان-چه توسط محققان ایرانی و چه فرنگیان و حتی در کشور همسایه ترکیه به قلم آمده، اما عصر صفی به عنوان دوره بنا نهاده شده بر وحدت دینی-سیاسی هنوز و هنوز مورد عنایت و توجه علاقمندان است.

دیگر اینکه ستاد محترم انقلاب فرهنگی و گروه تخصصی تاریخ، عنایت و ویژه‌ای بر شناخت نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی-دینی تاریخ ایران و دنیای اسلام نشان داده و بر همین نظر چندین درس جهت آگاهی دانشجویان گنجانده است. این پنده کمترین با بضاعت مزجات و به مصداق «خاشاک هم در دل دریا گذر کند» مطالعه و بررسی در زمینه تاریخ اجتماعی ایران دوره‌های اسلامی و به جهت تعلق خاطر به حرکت‌ها و جریان‌ات سیاسی-دینی که بدون شک نقش و اثر اجتماعی هم دارد آنها را محور کار نهاده است.

در این راستا تاکنون اصناف و پیشموران عصر صفویه^(۱) و جریان‌ات فکری و فرهنگی در امپراطوری عثمانی^(۲) را در مجله وزین کیهان اندیشه از سواد به بیاض آورده است، و بسیاری از خوانندگان گرانقدر مجله با ارسال نامه‌هایی چند، نویسنده را بر ادامه و تکمیل آن موضوعات تشویق نموده‌اند.

سیاسی-دینی ایران

سید کاظم روحانی



دونده باره هم در سر درآید
برنده تیغ هم کندی نماید

این اوراق را به پاس استفاده و استفاده چندین ساله از معضرت علامه محقق و تنها متخصص بلامنازع و صاحب نظر تاریخ امپراطوری عثمانی، استاد زنده یاد پروفیسور گوگ بیگلین آرمغان می نمایم.

فهرست مطالب و موضوعات

برای آگاهی خوانندگان محترم، فهرست مطالب و موضوعات پیرامون مدخل تعلیلی بر نهضت‌های ایران اسلامی از قرن سوم هجری تا عصر صفویه که در چند شماره تقدیم خواهد شد به شرح ذیل از این قرار است:

• بخش اول: نهضت علویان طبرستان، شامل مباحث (۱) زمینه نهضت علویان، (۲) سادات علوی ر مبارزه مسلحانه، (۳) داوری درباره علویان طبرستان. (مقاله حاضر)

• بخش دوم: نهضت صاحب الزنج، شامل موضوعات (۱) منابع مطالعاتی، (۲) زمینه سیاسی و اجتماعی و دینی، (۳) علی بن محمد رهبر مبارزه، (۴) علل پیروزی قیام زنگیان، (۵) علل شکست.

• بخش سوم: نهضت انقلابی فرمطیان، شامل مطالب: (۱) زمینه مذهبی نهضت، (۲) ابوسعید جنابی، (۳) سرانجام نهضت فرمطیان، (۴) علل شکست فرمطیان.

• بخش چهارم: اسماعیلیان، شامل مباحث: (۱) منابع مطالعاتی، (۲) جستجو در گردونه تاریخ، (۳) پیدایش فرقه اسماعیلیه، (۴) جهان بینی فلسفی اسماعیلیه، (۵) امامت در اسماعیلیه، (۶) حسن صباح رهبر نهضت، (۷) قیامت‌القیامه، (۸) اسماعیلیه در دادگاه تاریخ.

• بخش پنجم: سرداران (تعلیلی بر زمینه‌های نهضت

سرداران)، شامل مطالب: مدخل: اوضاع سیاسی ایران در آستانه جنبش سرداران،

الف) علل سیاسی جنبش سرداران، (۱) ظلم و ستم ایلخانان، (۲) زمینه‌های تاریخی جنبش، (۳) مبارزه علیه بیگانگان، (۴) قیام علیه یاسای چنگیزی.

ب) علل اقتصادی نهضت سرداری،

جنبه‌های منفی: (۱) فقر اقتصادی، (۲) مالیات‌های سنگین، جنبه‌های مثبت اقتصادی: (۱) تشکیلات اصناف، پیشموران،

(۲) اهل حرف یا اهل مشاغل،

ج) علل اجتماعی نهضت: (۱) تصوف، خانقاه، زاویه، (۲) جوانمردان یا اهل فتوت.

د) علل مذهبی.

ه) آغاز جنبش سرداران.

• بخش ششم: مقدمه. زمینه نهضت سادات در مازندران و

گیلان، شامل موضوعات: (۱) اوضاع سیاسی مازندران در آستانه نهضت، (۲) کیفیت نهضت سید قوام‌الدین مرعشی، (۳) کیا افراسیاب و رویارویی با نهضت سید قوام‌الدین، (۴) تسلیم کیا افراسیاب در برابر نهضت، (۵) اولین پیروزی و تأسیس حکومت اسلامی، (۶) پیروزی نهضت سید قوام‌الدین، (۷) سقوط حکومت سادات مازندران، (۸) دو ر۵ دوم حکومت سادات مازندران، (۹) علل شکست نهضت سادات، (۱۰) قیام سید امیرعلی کیا در گیلان.

• بخش هفتم: نهضت حروفیه. شامل مباحث: (۱) منابع مطالعاتی و تحقیقی، (۲) تعلیلی بر اوضاع سیاسی، فرهنگی، دینی عصر تیموریان در رابطه با حروفیه، (۳) سرآغاز نهضت حروفیه و حرکت نسیمی، (۴) ادامه نهضت حروفیه بعد از نسیمی، (۵) ایدئولوژی حروفیه.

نهضت علویان طبرستان

ساحل جنوبی دریای خزر تشکیل می‌شود نزد جغرافیایانویسان به طبرستان معروف شده است. و احتمال دارد از دوره حاکمیت مغول کلمه «مازندران» جای طبرستان معمول شده باشد و امروزه هم همه آن نواحی را مازندران می‌نامند. (۴)

یا قوت حموی، اولین کسی است که کلمه مازندران را در کتاب معجم‌البلدان بکار برده. ظاهراً در اکثر مواقع، طبرستان و مازندران مترادف و به یک معنی بوده. طبرستان به مناطق کوهستانی و مازندران به نواحی پست و کم‌ارتفاع اطلاق می‌شده است. (۵)

آمل و ساری از شهرهای قدیمی ولایت طبرستان بشمار می‌آید که همین شهر آمل مدتی مرکز حکومت علویان بوده است.

در باره وضعیت جغرافیایی مازندران آثاری به رشته تحریر درآمده، که از آن جمله کتاب نفیس تاریخ مازندران را می‌توان نام برد (۶) که بنحو تفصیلی به موقعیت جغرافیایی مازندران در گذشته پرداخته است. و اکثر جغرافیایانویسان اسلامی از منطقه طبرستان در آثار خود یاد کرده‌اند. (۷)

ولایات ساحلی بحر خزر پس از ورود اسلام به ایران، سالیان دراز در برابر حکومت امویان مقاومت ننموده و والیانی که از شام و بعداً بغداد در زمان عباسیان بدان نواحی گسیل می‌شدند، بنا مخالفت و مقاومت سخت کوشانه مردم روبرو می‌شدند.

مردم نواحی طبرستان علی‌رغم بسیاری از شهرهای مفتوحه ایران، تا دیرباز استقلال سیاسی خود را محفوظ

در مینه نهضت‌های سیاسی-دینی در ایران از قرن سوم تا صفویه، ابتدا از علویان طبرستان سخن خواهد رفت. با توجه به اینکه دانشورانی دیگر (۳) فصلی را به زمینه اعتقادات علویان طبرستان اختصاص داده‌اند، لذا در این مقاله بیشتر به جریانات سیاسی-تاریخی مبارزه علویان عنایت گردیده است.

در میان دولتهای شیعه مذهبی که در ایران روی کار آمده‌اند، علویان طبرستان از جمله آنها بشمار می‌آید. البته بکار بردن اصطلاح «دولت» برای علویان یک تعبیر تاریخی-سیاسی است تا دینی. هر چند حکومت علویان براساس احیای شریعت اسلامی و مبارزه با ظلم و ستم تأسیس گشته و مبتنی بر اعتقادات سیاسی-دینی زیدیه بوده است.

و نباید از یاد برد که علویان طبرستان بجای انتخاب کلمه امام و یا حاکم و امیر، لقب داعی بر خود نهادند که به معنی دعوت کننده مردم بسوی احکام و قوانین اسلامی است. از آنجا که علویان بنیان حکومت خود را در ولایات بحر خزر خصوصاً در طبرستان بنا نهادند، لذا در تاریخ به علویان طبرستان معروف گردیدند.

در اینجا آگاهی با وضعیت و موقعیت جغرافیایی طبرستان اجمالاً ضروری است.

لسترنج در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی به استناد منابع جغرافیایی پیرامون سرزمین طبرستان می‌نویسد: منطقه کوههای مرتفع که قسمت عمده آن از سلسله جبال البرز در امتداد

«سپیدجامگان» معروف شدند.

اگرچه پارهای از نویسندگان بر این تلاشند که حرکت مازیار را حرکتی مردمی و قیامی ملی بنامند^(۸)، اما واقعیت تاریخی جز این است که نوشته‌اند.

تردید نباید داشت که قیام مازیار، قیامی بوده است واپس‌گرایانه و بازگشت به نظام طبقاتی ساسانی و همچنین حفظ موقعیت و منزلت اجتماعی خویش که خود را به خاندانهای بزرگ محلی منسوب می‌دانست.

ذکر این نکته مناسب است که خاندانهای محلی طبرستان که معروفترین آنها اسپهبدان و آل باوند بودند، سیاست درستی در برابر سادات و نهضت آنان نداشتند، حتی سیاست مازیار در برابر خلیفه عباسی معتصم نامعلوم و دوپهلوی بود، به‌گونه‌ای که پارهای از افراد این خاندان محلی برای حفظ منزلت و مقام خویش با سادات و علویان تمکین می‌نمودند، چنانچه برخی از اسپهبدان مازندران با ال‌نائر بالله که در شهرستان رودسر حکومت داشت بیعت نمودند و بعداً از در مخالفت و ناسازگاری درآمدند.

در نهضت سادات مرعشی در مازندران، ابتدا کیاافراسیاب چلابی با سید قوام‌الدین مرعشی از در دوستی و اطاعت درآمد و سرانجام به سرکوبی نهضت سادات دست یازید و بعدها تیمور که هیچگونه مذهبی جز بی‌مذهبی نداشت پس از سرکوب قیام سربداران در خراسان، بازماندگان سید قوام‌الدین را در مازندران دستگیر و تبعید نمود. پیرامون نهضت سربداران و قیام مرعشیان در آینده به تفصیل بحث خواهد شد.

جدا از خراسان، ایالات طبرستان و گیلان هم از مراکزی بودند که سخت در برابر ستم وادبار امویان ایستادند و پس از آنکه از غدر خاندان عباسی بر ابومسلم آگاهی یافتند بر مخالفت خویش افزودند و به بهانه خونخواهی ابومسلم، دست به مبارزه علیه عباسیان زدند.

لذا جنبشها و نهضتهایی را که قرون اولیه اسلامی در

نگاه داشتند و تا نیمه‌های قرن دوم هجری، روی سکه‌هایی که در آن مناطق ضرب می‌شد خطوط پهلوی نقش بوده است.^(۸)

در پارهای از شهرها و بلاد طبرستان، (احتمالاً بیشتر در مناطق کوهستانی) مردم به دیانت زردشت بر جای بوده‌اند.

از جمله عواملی که سبب تأخیر ورود اسلام به این سرزمین شد، بدین قرار است: دوری از مرکز حکومت، مخالفت امیران و خاندان‌های محلی که طرفدار رژیم ساسانی بودند با مسلمانان و همچنین عدم آگاهی مردم. و این زمانی بود که بسیاری از شهرهای ایران، اسلام را پذیرا شده بودند.

در قرون اولیه اسلامی، گیلان و طبرستان کانون مخالفت و مقاومت علیه امویان بشمار می‌رفت، و سربازانی که بدان دیار روانه می‌شدند چه در اثر رطوبت هوا و چه در اثر مخالفت مردم، جان خود را از دست می‌دادند و در حقیقت نگاهداری ایالات طبرستان و گیلان برای امویان سخت و دشوار گشت.

خصوصاً که این والیان راه و رسم درستی اتخاذ نمی‌کردند و چه بسا با شکنجه و ستم بارگی از روستاییان و دهقانان مالیات و خراج بسیار طلب می‌داشتند.

عواملی از جمله: سخت‌گیری و دژم‌خویی حاکمان، تحقیر فرهنگی و نژادی و تحمیل مالیات و... مخالفتها و مقاومت‌های مردم را افزون می‌نمود و کمتر حاکمی می‌توانست سال یا سالیانی چند بر آن نواحی حکومت نماید.

در این میان بازماندگان خاندانهای محلی آن دیار که در سر هوای احیای نظام ساسانی را داشتند با استفاده از اعمال نامطلوب حاکمان و رفتار ستم‌گرایانه عمال اموی و همچنین ناخشنودیهای مردم، دست به عصیان و قیام می‌زدادند.

از آن جمله است قیام مازیار در طبرستان که به

از آنها دارای اختیارات گسترده‌تری بودند.

(۲) پارهای از خاندانهای محلی طبرستان ضمن اطاعت از خلافت بغداد نفوذ و اعتبار محدود سیاسی خود را حفظ نموده و ضمن پذیرش اسلام، مالیات سالیانه معهود را به بغداد روانه می‌نمودند.

(۳) با روی کار آمدن حکومت طاهریان در خراسان در سال ۲۰۵ هجری قمری خلافت عباسی، ولایت طبرستان را ضمیمه حکومت آنان نمود و امیران طاهری هم نمایندگانی از سوی خود به آن دیار می‌فرستادند.

(۴) مهاجرت و اسکان سادات علوی در طبرستان و گیلان سبب شد که مردم علاقه و توجه فراوان به فرزندان پیاپی نشان دهند و چنانچه توضیح آن بیاید برای دفع ظلم و ستم بدانان مراجعه نمایند.

(۵) در آن زمان شهرهایی چند کانون تشیع بود که معروفترین آنها عبارت بودند از نیشابور (بخشی از نیشابور)، هرات، جوزجانان، غور، سبزواری، قم، آمل، ساری، بلاد دیسلم و بعضی از شهرها و سوادقوس و قهستان.

در این میان شهرهایی مانند ری کانون اصلی و مسلحانه مبارزات شیعیان علیه بنی‌عباس بشمار می‌آمد.

قیامهای شیعی زمینه‌ساز نهضت علویان

انقلاب عاشورا، الهام‌بخش همه نهضت‌های شیعی بوده (اعم از زیدی، هفت‌امامی و اثنی‌عشری) که در ایران و دیگر نواحی روی داده است، بعد از انقلاب عاشورا، و نهضت توابعین در سال ۶۵ هجری و قیام مختار ثقفی در سال ۶۷ هجری، قیام قهرمانانه زید بن علی بن حسین (ع) در سال ۱۲۲ هجری از عمیق‌ترین حرکت‌هایی بود که در کوفه روی داد و اثرات آن تا سالیانی چند برجای ماند.

بعدها سادات حسنی و حسینی به متابعت از انقلاب عاشورا و قیام زید و برای مبارزه با مستعین خلافت اسلامی یعنی امویان و عباسیان، دست به قیام مسلحانه

ایران روی داده به شرح ذیل می‌توان بررسی کرد:
(۱) جنبشهای مذهبی: این حرکتها و نهضت‌ها جهت بازگرداندن مردم از اسلام و احیای اندیشه‌های زردشتی بوده است، چنانچه نرشخی در تاریخ بخارا از مخالفت مردم در برابر مسلمانان و پافشاری در اعتقادات خویش یاد می‌کند.^(۱۰)

(۲) عصیانها و مخالفت‌های سیاسی: این حرکتها، مقاومت در برابر ستم امویان و عباسیان بوده است تا مبارزه علیه اسلام. در ایالت خراسان، داعیان بنی‌عباس به تشویق ابومسلم خراسانی سلیمان بن کثیر بکیر بن ماهان و ابوسلمه خلال از ناراضی مردم از دستگاه بنی‌امیه استفاده سیاسی نموده و به علاقهای که مردم ایران به خاندان پیامبر (ص) داشتند و به نام «بیعت و دعوت برای آل محمد» در سال ۱۳۲ هجری حکومت امویان را برانداختند.

(۳) قیامهای خوارج در عراق و ایران، خصوصاً سیستان.

(۴) نهضت‌های اصیل اسلامی که ملهم از قیام عاشورا بود، مانند نهضت زید بن علی (ع) و دیگر سادات حسنی و حسینی.

مردم مازندران از قیام مازیار بهره‌ای نیافتند و مازیار به جهت نداشتن همراهی و همگامی مردم، نتوانست نفوذ عباسیان را در طبرستان تضعیف کند.^(۱۱) مهاجرت سادات حسنی و حسینی به ولایات دریای خزر خصوصاً گیلان و دعوت مردم به اسلام (تشیع) بارقه‌امیدی در دل مردم روشن ساخت و مردم آن نواحی از هیچگونه مساعدتی به سادات علوی برای کوتاه نمودن دست امویان خودداری ننمودند.

اوضاع سیاسی ایران در آستانه نهضت علویان

(۱) خلافت عباسی به عنوان مرکزیت سیاسی و دینی بر همه شهرهای تابع حکومت، اشراف داشت و برای هریک از ولایات والیانی تعیین می‌نمود که برخی

د- دوره چهارم: قیام سید قوام‌الدین مرعشی در مازندران.

از آنجا که در زمینه نهضت سادات مرعشی در مقالاتی جداگانه بحث شده است و در آینده درج خواهد شد، لذا در این مقاله فقط پیرامون دوره‌های اول و دوم حکومت علویان سخن خواهد رفت.

دوره اول حکومت علویان:

نهضت سادات علوی در طبرستان

علی‌رغم سرکوب قیام علویان از سوی خلفای عباسی، بسیاری از شهرها کانون و پایگاه مبارزه سیاسی- مذهبی علویان گردید که از آن جمله ولایات طبرستان و دیلم بود.

از آنجا که حکومت علویان طبرستان از نظر اعتقادی طرفدار زیدبن علی بود، لذا اندیشه و اعتقادات زیدیه در بلاد خزر خصوصاً در مازندران تسری یافت که احتمالاً تا روی کار آمدن حکومت صفویان برخی از شهرهای گیلان و مازندران بر اعتقادات زیدیه برجای بوده‌اند.

لازم به یادآوری است که زید برادر ارجمند امام محمد باقر^(ع) فردی بود عالم و آگاه و مسئول و به دعوت شیعیان از مدینه به کوفه آمد و قیام مردم را علیه هشام بن عبدالملک اموی رهبری کرد و سرانجام پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا، مصلوب و محروق گردید. (۱۴)

تردید نباید داشت که هدف زید سرنگونی نظام جور و ظلم اموی و ایجاد عدالت و اجرای قوانین اسلامی در جامعه بود و اصلاً ادعای امامت و خلافت برای خود را نداشت و حتی پاره‌ای از مورخان شاگردی زید در نزد واصل بن عطا پیشوای معتزلیان را انکار نموده‌اند. (۱۵)

پس از شهادت زید، فرزندش یحیی به سوی ایران آمد و در خراسان دست به تبلیغ زد. نصر بن سیار حاکم نیشابور که به خشونت و سخت‌دلی مشهور بود به دستور

زدند^(۱۲) که به پاره‌ای از آنها می‌توان اشاره کرد، مانند: قیام یحیی بن زید در زمان ولید بن عبدالملک در جوزجان خراسان در سال ۱۲۵ هجری قمری.

نهضت محمد نفس زکیه، علیه منصور عباسی در سال ۱۴۵ قمری.

قیام حسین بن علی بن حسن در زمان هادی خلیفه عباسی، بسال ۱۶۹ هجری.

قیام ادریس بن عبدالله در شمال آفریقا، علیه هارون، در سال ۱۷۲ هجری.

قیام یحیی بن عبدالله بن حسن در دیلم، در سال ۱۷۵ هجری.

قیام محمد بن ابراهیم ابی لسرایا، علیه مأمون در سال ۱۹۹ هجری.

قیام عبدالرحمن در یمن در سال ۲۰۷ هجری علیه مأمون و غیره...

بازگویی و ارزیابی همه این نهضت‌ها از حیثه و گنجایش این مقال بیرون است.

پاره‌ای از این نهضت‌ها خصوصاً قیام یحیی بن زید در خراسان و قیام یحیی بن عبدالله در دیلم، علیه هارون الرشید در بیداری مردم دیلم تأثیر فراوان داشت. و برخی از مورخان در محبوبیت یحیی بن زید در خراسان می‌نویسد: مردم آن دیار در عزای یحیی هفت شبانه‌روز گریستند و تعزیت برپا نمودند و به پاس احترام و علاقه‌ای که مردم به یحیی داشتند هر فرزند ذکوری که در سال شهادت یحیی از مادر بزاد او را یحیی نام نهادند. (۱۳)

غلبه و حاکمیت علویان در ولایات دریای خزر را می‌توان به چهار دوره مجزا تقسیم کرد:

الف- دوره اول: دوره حکومت سادات علوی به نام علویان طبرستان تا پایان قیام ناصر کبیر.

ب- دوره دوم: حکومت الثائر بالله، معروف به سید ابیض در رودسر.

ج- دوره سوم: نهضت سید علی کیا در لاهیجان.

به سرزمین دیلم پناه آورد و دست به تبلیغ و ترویج اسلام زد، یحیی بن عبد الله از نوادگان امام حسن بن علی علیه السلام بود که در سال ۱۷۵ هجری در زمان هارون الرشید به این دیار آمد. (۱۷)

نهضت حسن بن زید علوی (۲۵۰ هجری)

هدف این اوراق بازگویی وقایع و حوادث تاریخی نیست، چه در اکثر منابع و مآخذ مربوط به آن دوره در این زمینه به حد وافعی و کافی سخن گفتانند، ولی اشاره به پارامی از جریانات سیاسی بی‌فایده نخواهد بود.

از زمانی که طبرستان در حوزه فرمانروایی طاهریان قرار گرفت، امیران این سلسله افرادی را جهت اداره امور ولایات با اختیارات نامحدود اعزام می‌نمودند.

در زمان امارت محمد بن عبد الله طاهر (۲۴۸-۲۵۹) جابر بن هارون، محمد بن اوس بلخی را جهت اخذ مالیات به طبرستان گسیل داشته و بنا بر آنچه که مورخان آورده‌اند بر مردم ظلم و ستم فراوان نمود تا آنجا که گروهی از مردم از روی اضطرار فرار را بر قرار ترجیح داده و به سوی گیلان و دیلم کوچ نمودند و گروهی دیگر از مردم از محمد بن ابراهیم بن علی از فرزندان آل علی که در رویان سازندگان مقیم و سخت مورد احترام مردم بود طلب یاری نمودند.

او مردم ناراضی و معترض را نزد حسن بن زید علوی که در آن زمان درری اقامت داشت رهنمون شد.

فراموش نباید کرد که شهرری در قرن سوم هجری مرکز فعالیت علویان و شیعیان بود (و تا حمله مقول از شهرهای بزرگ اسلامی و کانون علم و دانش بود).

حسن بن زید دعوت مردم طبرستان را پذیرفت و بسوی آن دیار روانه گشت و در ناحیتی که امروز به کلاردشت معروف است اهالی باوی بیعت نموده و او خود را «داعی الحق الی الخلق» یا «داعی کبیر» نامید و مؤسس جنبش علویان طبرستان شد.

خلیفه وقت مأمور دفع قیام یحیی شد و در پی نبردی که در جوزجانان روی داد به شهادت یحیی انجامید.

البته شهادت یحیی بن زید زمینه پیروزی عباسیان را فراهم ساخت و ایرانیان که طرفدار آل علی بودند به همت ابومسلم خراسانی خاندان اموی را برانداختند.

ایرانیان- خصوصاً شیعیان- بدین امید که با فروپاشی امویان آزادی بیشتری خواهند یافت در براندازی دستگاه جابر امویان مشارکت نمودند.

متأسفانه عباسیان در ظلم و ستم و تعدی به سادات و خاندان علی (ع) و ایجاد محدودیت برای آنان، گوی سبقت را از امویان ربودند و بدین سان احوال سادات دگرگون شد و پارامی از آنان به ایران آمدند و در گیلان و طبرستان اقامت گزیده، مردم را به دیانت اسلام دعوت نمودند و همچنین مبارزه علیه خلافت غاصب عباسی را ادامه دادند و ولایات دریای خزر ملجأ سادات علوی شد و اهالی گیل و دیلم با خلوص و عطوفت پذیرای علویان گردیدند.

روی کار آمدن طاهریان در خراسان و انتخاب نیشابور به عنوان پایتخت، چهره سیاسی شرق ایران را دگرگون ساخت، زیرا آنان برای اولین بار در اوایل نیمه قرن سوم هجری نخستین حکومت محلی نیمه مستقل ایرانی را بر پا داشتند.

خلافت عباسی برای اینکه طاهریان را سدی در برابر حرکتهای و قیامهای خراسان قرار دهد واز سویی بتواند جنبشهای علویان را در طبرستان سرکوب نماید، حکومت طبرستان را هم ضمیمه حکومت طاهریان نمود و بعداً جانشینان طاهر به سرکوب مبارزات علویان دست یازیدند.

طاهریان از سوی خود والی و یا حاکم به طبرستان گسیل نموده و در اثر سیاست نابخردانه همین حاکمان بود که مردم در خشم شدند و بسر نمایندگان طاهر شوریدند و از علویان مقیم دیلم یاری طلبیدند. (۱۶)

چنانچه قبلاً هم یاد آوری گردید از اولین ساداتی که

توضیح اینکه اسپهبدان طبرستان نوای مخالفت ساز نموده و رافع بن هرثمه که همواره سودای قدرت در سر می‌پروراند مدعی حکومت طبرستان بود. هرچند این رافع خود را طرفدار علویان می‌دانست، اما در این راه صادق نبود. (۲۲)

از سوی سامانیان در ماوراءالنهر قدرت سیاسی نیرومندی بشمار می‌آمدند. خصوصاً پس از سقوط عمرولیث در سال ۲۸۷ به دست امیر اسماعیل سامانی، این امیر بر آن شد که قلمرو حکومت خویش را توسعه دهد و همچنین به جنبش علویان در طبرستان پایان بخشد.

لذا امیر سامانی به طبرستان لشکر کشید و درگیری و مصادف در نزدیکی گرگان روی داد و محمد بن زید به شهادت رسید (۲۸۷ هـ ق). (۲۳)

بدین‌سان سامانیان بر طبرستان مستولی شدند و محمد بن هارون به حکومت آن نواحی دست یافت.

محمد بن زید فردی فاضل و اندیشمند بود. و در اعتقادات زیدیه معلومات فراوان داشت و ابن ندیم در کتاب الفهرست از وی آثاری چند در فقه یاد می‌کند که معروفترین آنها عبارتند از «الجامع فی الفقه»، «کتاب البیان» و غیره.

نهضت ناصر کبیر یا ناصر اطروش

با شهادت محمد بن زید در سال ۲۸۷ هجری، شعله قیام سادات در مازندران خاموش نشد و به روایت ابن اسفندیار، مردم آن نواحی پس از به شهادت رسیدن وی با یکی از نوادگان علی بن حسین (ع) به نام ابومحمد حسن بن علی، معروف به سید «ناصر کبیر» یا «ناصر الحق» بیعت نمودند.

ناصر که از قدرت مدیریت قوی برخوردار بود، در سادات نفوذ بسیاری داشت.

محمد بن هارون که ابتداء از مخالفان علویان بود با ناصر کبیر بیعت کرد و اعلام اطاعت نمود و نمایندگان

ورود پیروزمندانه داعی کبیر در سال ۲۵۰ هجری به آمل سبب شد که طرفداران خاندان طاهری شهر را ترک نمایند و از سوی مردم آمل بالاتفاق با وی بیعت نمودند.

تفصیل این روایت را ابن اسفندیار کاتب در کتاب تاریخ طبرستان و اولیاء الله املی در تاریخ رویان و سید ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و مازندران آورده‌اند. (۱۸)

طاهریان که از دست دادن ولایت بزرگ و حساسی چون طبرستان سخت نگران بودند، سلیمان بن عبدالله را با سپاهیان و تجهیزات فراوان به دفع حسن بن زید فرستادند که این سپاهیان در مصادف که روی داد هزیمت یافتند و این دومین پیروزی علویان بود. (۱۹)

در این میان، اسپهبدان باوندی طبرستان هم از در اطاعت درآمدند و حاکمیت داعی کبیر را پذیرا شدند. (۲۰)

از رویدادهای بسیار مهم دوران حسن بن زید، لشکر کشی یعقوب صفاری به طبرستان است، یعقوب لیث که خود از طریق عیاری و آزادگی با همراهی جوانمردان و عیاران سیستان به حکومت دست یافته و از سوی حکومت طاهریان را در نیشابور برانداخته بود، در صدد برآمد که ولایت طبرستان را از آن خود سازد لذا در دهمین سال حکومت حسن بن زید (۲۶۰ هـ) یعقوب به ساری وارد شد و داعی کبیر به کوهستانهای طبرستان پناهنده گشت.

اما یعقوب نتوانست در طبرستان بماند، به خراسان بازگشت و داعی دو باره بر ساری و آمل مستولی شد و این بار تا سال ۲۷۰ حکومت کرد و در همین سال چشم از جهان پوشید. (۲۱)

پس از داعی کبیر برادرش محمد بن زید حکومت را در دست گرفت. این بار حکومت علویان، هم با مخالفان داخلی و هم با معارضان خارجی روبرو شد.

افاغنه با روسها در همین شهرستان رودسر در گیر شده بود و از روسها شکست خورد.

شاه عباس اول در شهرستان رودسر مراسم جشن آبپاشی برگزار کرد. رودسر در زمان صفویه شهرکی آباد بوده است. (۲۴)

اوضاع سیاسی و تاریخی زمان‌النائر بالله معروف به سید ابیض یا سید نورانی مصادف با حکومت‌های متقارن محلی در ایران خصوصاً در طبرستان و گیلان بوده است. حکومت‌های آل زیار و آل بویه جهت تصرف شهرها به جنگ‌های بی‌هدف پرداخته و در این میان زیان فراوان به مردم وارد می‌آمد.

آل بویه که قدرتی قوی‌تر از آل زیار بود و چون بسیاری از شهرهای ایران را تصرف کرده و حتی خلافت بغداد را تحت سیطره و نفوذ سیاسی و دینی خود داشتند به طبرستان و رویان هم چشم داشته و برای بدست آوردن آن نواحی تلاش می‌نمودند.

النائر بالله معروف به سید ابیض یا ثائری در شهرستان رودسر (هوسم قدیم) اقامت داشت و در گیر رقابت‌های سیاسی امیران محلی بود. شجره‌نامه صحیح النائر بالله به شرح ذیل است: ابوالفضل جعفر بن محمد بن حسین المحدث بن علی بن حسن بن علی الاشراف بن علی زین‌العابدین بن حسین بن علی علیه‌السلام (۲۵) و برادرزاده ناصر کبیر و فرزند محمد که او فرزند حسین المحدث است و از پنج نسل نسب ایشان به امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد.

النائر بالله قبل از آمدن به رویان، در شهرستان رودسر می‌زیسته، اما از نحوه زندگانی و مبارزات وی اطلاعات مبسوطی در دست نیست. و ظاهراً در میان مردم رودسر محبوبیت فراوان داشته و با قدرت حکومت می‌نموده و یک مدرسه دینی داشته است.

البته وی را با القاب ابوالفضل و ابوجعفر در متون تاریخی ذکر کردند و چندتن دیگر از سادات هم لقب ابوجعفر داشته‌اند مانند ابوجعفر دائمی، ابو جعفر ناصر

و سپاهیان امیر اسماعیل سامانی از سپاهیان ناصر کبیر شکست سخت خوردند.

ناصر کبیر تا سال ۳۰۴ هجری حکومت کرد و مورخان این سال را سال مرگ وی نوشته‌اند.

فرمانروایی حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر، پایان دوره اول حکومت علویان بر طبرستان است. در این زمان فشار سیاسی و نظامی سامانیان به فرماندهی محمد صلوک بر علویان فزونی یافته بود. اما فداکاریهای لیلی بن نعمان که از سرداران با شهامت داعی صغیر بود، مانع از استیلای مجدد سامانیان بر طبرستان گردید.

داعی صغیر و سردارش با سیم‌محور دواتی - سردار معروف امیر ناصر سامانی - مصادف دادند. و داعی صغیر بعد از سالها مقابله با مخالفان داخلی و هجوم سرداران سامانی در سال ۳۱۶ هجری در ری به شهادت رسید. سرانجام با مرگ وی حکومت ۶۶ ساله علویان بر طبرستان به پایان آمد.

دوره دوم حکومت علویان

نهیض النائر بالله در رودسر

مناسب است قبلاً اجمالی درباره رودسر آورده شود.

رودسر از شهرهای قدیمی و تاریخی استان گیلان بشمار می‌آید و قبلاً به نام هوسم بوده است و در قدیم هوتم یا کوتم نامیده می‌شده. و احتمالاً اولین بار مؤلف کتاب حدود العالم از آن یاد کرده است. در زمان حکومت و ریاست النائر بالله از شهرت فراوان برخوردار بود. ابوجعفر هوسمی از بزرگان دین از همین دیار بود و همچنین امام فخر رازی که او را هم از اصل از رودسر دانسته‌اند.

در دوره مغول امیر چوپان در نزدیکی تمیجان رودسر با حکام محلی مصادف داد و به روایت لاکهارت در انقراض سلسله صفویه، محمد صید آل خان سردار

سخن نمی‌گویند. (۲۸) شاید انگیزه اختلاف‌نظر النائر بالله بر تأسیس حکومت بر بنیان ضوابط شرعی و دینی در آمل بوده است.

النائر بالله، دلگیرانه به گیلان آمد و دوباره در شهرستان رودسر اقامت نمود، در این زمان مخالفان النائر بالله غلام او به نام «عمیسر» را تحریک نموده تا علیه وی دست به عصیان زنند و شاید عمال حکومت آل بویه در این تحریک و اغتشاش دست داشته‌اند.

النائر بالله از مردم رودسر قهر نموده و در قریه میانه از دهات وابسته به چابکسر از بخش‌های شهرستان رودسر اقامت گزید و در همان دهکده وفات^{۲۹} نمود.

سید ظهیر الدین مرعشی در کتاب تاریخ طبرستان می‌نویسد: سید ابیض النائر بالله در قریه میانه از ولایت سیاهکلرود^{۳۰} اقامت داشته و خود وی آن مقبره را زیارت نموده و نویسنده یعنی مرعشی اظهار می‌دارد که مدتی هم داروغگی ولایت سیاهکلرود را بر عهده داشته است. (۳۰) و پس از آن مؤلف به تفصیل از قیام النائر بالله در کتابش یاد می‌کند. (۳۱)

النائر بالله به احتمال زیاد در سال ۳۳۸ هجری وفات نموده است. (۳۲) نظر برخی از مورخین این است که او آخرین سید علوی است که برای اجرای احکام

البته برخی روایات این است که سید بعد از نبرد آمل نبردهای دیگری هم داشته و پس از روی برگرداندن از مردم رودسر در منطقهای به نام کهنه میانه اقامت می‌گزیند و در همانجا به شهادت می‌رسد و جسد مطهرش را در میانه دفن می‌کنند. این روایات بیشتر در افواه عموم مردم آن مناطق فی‌السجال رواج دارد. اما سندیت تاریخی ندارد. و شهادت‌النائر بالله را در کهنه میانه برخی از مسودات خطی که این اواخر نوشته شده ذکر کرده‌اند و این «جنگهای خطی» مبتنی بر روایات دقیق تاریخی نیست.

خواندمیر در کتاب جیب‌السیر، قریه سیاه‌کله رود را شاه‌کلرود می‌نویسد که اشتباه است.

ابوجعفر محمد، ابوجعفر هوسمی، ابوجعفر النائر بالله. توضیح این نکته ضروری است که در منابع تاریخی از النائر بالله دیگری به نام ابوطالب علوی الناطق بالحق هم یاد کرده‌اند که او غیر از سید ابیض النائر بالله است. (۳۶) و شخص دیگری هم لقب النائر بالله داشته و آن ابوالفضل جعفر بن محمد بن حسین بن عیسی بن عمر بن علی بن ابیطالب فرزند او نواده ناصر کبیر بود. معلومات در زمینه حیات و حکومت النائر بالله در شهرستان رودسر بسیار محدود است. لین پل، مؤلف کتاب طبقات سلاطین اسلام، اشاره به این نکته دارد که النائر بالله در شهرستان رودسر سکه به نام خود ضرب کرده است، ولی نگارنده این سطور از وجود چنین سکه‌هایی بی‌اطلاع است. (۳۷)

در دورانی که سید ابوجعفر النائر بالله در رودسر اقامت داشت حکومت رویان به دست ابوالفضل محمد بن شهریار بود که به جای پدرش اسپهبد شهریار بن جمشید به حکومت رسیده بود.

در این زمان میان حاکم رویان و اسپهبد شهریار بن دارا اختلاف روی داد، اسپهبد شهریار به حسن بویه از سلاطین آل بویه پناه برد و از او مدد خواست. حاکم رویان برای اینکه به تقویت بنیان حکومت خویش بیافزاید دعوت‌نامه‌ای برای النائر بالله به رودسر فرستاده و او را به ولایت رویان خواند و النائر بالله این دعوت را پذیرا شد و به آن دیار رفت (سال ۳۳۷ هجری).

این حوادث درست بیست و یک سال بعد از شهادت داعی صفیر در طبرستان روی داده است. رکن‌الدوله حسن بویه وزیر خود ابن‌العمید را جهت دفع و سرکوب النائر بالله به رویان فرستاد و این نبرد در نزدیکی تمیجان روی داد و ابن‌العمید شکست فاحش یافته، هزیمت نمود. سپس النائر بالله با پیروزی به شهر آمل وارد شد.

اما بعد از این پیروزی، میان حاکم رویان و النائر بالله اختلاف روی داد که مورخان از علت این اختلاف

روایت کرده‌اند که روزی داعی کبیر در آمل از گذرگاهی می‌گذشت نوشته‌ای بر دیوار بود با عنوان «الله فرد و زید فرد» ناگهان داعی فریاد کشید زیدعبدی بیش نیست و چندین بار گفت «الله فرد و زید عبید».

در میان علویان طبرستان داعی کبیر و ناصر کبیر از شخصیت و نفوذ بیشتری برخوردار بودند و بعدها فرزندانگان همین ناصر کبیر در رودسر و توابع سالیان چند حکومت نمودند.

علویان طبرستان اعتقادات زیدیه را ترویج می‌نمودند و به زیدیه طبرستان معروف گردیدند. بعضی از حاکمان علوی، خود اهل تحقیق و تألیف بودند و جهت ترویج اسلام در طبرستان و دیلم تلاش فراوان مبذول داشتند. تا آنجا که در شهرهای ساری- آمل- چالوس- رودسر مراکز و مدارس علمیه بنا نهادند. از جمله الثائر بالله در شهرستان رودسر یک مدرسه دینی داشت.

متأسفانه طاهریان، صفاریان، سامانیان بنای مخالفت با علویان را نهادند، و در این میان سیاست

● الثائر بالله معروف به سیدابيض، سیدی بزرگوار، شجاع و کریم بود و به سبب وجاهت چهره به سیدابيض یعنی سید نورانی معروف بوده است. اهالی میانده و چابکسر و رامسر و توابع احترام فراوان برای تربت وی قائلند و کرامات زیادی به وی نسبت می‌دهند، حتی در گذشته به جهت احترام، سواره از کناره بارگاه و مرقد مطهر وی نمی‌گذشتند. سید را بدان جهت نائر می‌گفتند که نائر به معنای طلب‌کننده خون می‌باشد و در اصل لقب امام حسین (ع) بوده است.

○ برخی از نوادگان ناصر کبیر در شهرستان رودسر حکومت داشتند، از جمله ابو محمد حسن ملقب به میرک یا امیرک که چهل سال بر رودسر حکومت نمود و همچنین ابو عبدالله محمد قاسم داعی، ملقب به مهدی (م ۳۵۹). تفصیل احوال آنان را نگارنده در تاریخ رودسر و توابع که در دست تحقیق دارد آورده است.

اسلامی قیام نموده.

پس از نهضت الثائر بالله* تا زمان نهضت سید علی کیا در گیلان و نهضت سید قوام‌الدین مرعشی در مازندران از چهره مشخصی از سادات که معروفیت داشته باشد در منابع یاد نگردیده است.○

اهمیت نهضت علویان در تاریخ ایران

از زمان مهاجرت سادات حسنی و حسینی به گیلان و طبرستان و مبارزه علیه خلفای جائر بنی عباس توجه و ارادت مردم به علویان تزايد و متضاعف گشت، ولایات بحر خزر دیرتر از سایر نواحی و بلاجه تصرف مسلمین در آمد و شاید یکی از علل این امر مقاومت کاذب زمینداران بزرگ محلی بوده است.

این زمینداران و امیرکهای محلی که ریشه در اشرافیت کاذب ساسانی هم داشتند، حضور اسلام را خطری بزرگ برای خود دانسته و به بهانه مبارزه با ستم‌بارگی عباسیان، مردم را فریب می‌دادند.

مازیاریکی از مخالفان عباسیان بود که نه بخاطر مردم بلکه به جهت محافظت موقعیت کاذب اجتماعی خویش دست به قیام زده بود.

علویان طبرستان با شرف انتساب به امام علی علیه‌السلام بنیان یک حکومتی کاملاً مردمی را بنا نهادند و از همان آغاز در چند جبهه می‌جنگیدند:

الف: مبارزه علیه عمال خلافت عباسی.

ب: مبارزه با امیران و زمینداران محلی.

ج: نبرد با طاهریان، صفاریان، سامانیان.

مردم طبرستان به ابتکار علویان دست به نبرد مسلحانه علیه نمایندگان خلافت عباسی زدند. راز علاقه مردم به آنان، همانا صداقت و سادگی علویان بود. آنان با مردم به مساوات و مساوات رفتار می‌نمودند و در میان مردم محبوبیت داشتند.

به گونه‌ای که هر وقت داعی کبیر از ناحیتی می‌گذشت انبوه مردم به استقبال وی می‌آمدند. و

- ۲- تأسیس حکومت براساس شریعت اسلام.
- ۳- اولین دولت شیعی مذهب در ایران.
- ۴- ایجاد مدارس و مراکز فرهنگی در شهرهای طبرستان و گیلان.
- ۵- تأسیس حکومت ساده و بی‌تکلف و مردمی.
- ۶- فراهم نمودن جنگهای مسلحانه برای مبارزه با حکام جور.

- یعقوب لیث نسبت به علویان قابل توجه نیست، زیرا یعقوب خود از مخالفان خلیفه بود.
- اتحاد و همکاری با علویان می‌توانست قدرت عباسیان را تضعیف کند. متأسفانه یعقوب لیث شاید به جهات دینی با علویان روی سازگاری نداشت.
- علویان به جهاتی چند در تاریخ ایران اهمیت دارند:
- ۱- انتشار اسلام در طبرستان و گیلان.

یادداشتها:

- ۱- رک: کیهان اندیشه، شماره‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸.
- ۲- رک: کیهان اندیشه، شماره ۸، صفحات ۸۴-۱۰۶.
- ۳- رک: ابوالفتح حکیمیان، علویان طبرستان، فصل اعتقادات.
- ۴- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۳۹۴.
- ۵- مأخذ یاد شده.
- ۶- رک: اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران (جلد اول).
- ۷- رک: احمد بن یحیی البلاذری، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران) ترجمه دکتر آذرتاش آذر نوش، تصحیح سید محمد فرزاد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۲.
- ۸- طبرستان و نواحی آن. ابن رسته الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۷۶ به بعد، ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، فصل هشتم: دیلم و طبرستان، صفحات ۱۱۸-۱۲۷.
- ۸- برای اطلاعات تفصیلی پیرامون طبرستان در دو قرن اولیه اسلامی به منابع ذیل رجوع شود: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ابن اسفندیار کاتب، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، سید ظهراالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، بکوشش محمد حسین تسبیحی، انتشارات مطبوعاتی شرق. اولیاء الله آملی، تاریخ رویان. و کتاب ارزشمند تاریخ مازندران، تألیف اسماعیل مهجوری، در ۲ جلد.
- ۹- عباس پرویز، قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۵۱، فصل سوم: قیام‌های مذهبی، ص ۵۸-۱۰۵. و کتاب مازیار به قلم صادق هدایت و مجتبی مینوی.
- ۱۰- ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی، تهران انتشارات توس، ص ۱۱ به بعد.
- ۱۱- برتولد، اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۵. ایلیا پااولویچ پتر شفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷ به بعد. عباس پرویز: قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران، فصل چهارم به بعد، ص ۱۰۵. غلامرضا انصافیور، روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۳۴ به بعد.
- ۱۲- رک: محمد رسول دریائی، امام هادی و نهضت علویان، تهران، انتشارات رسالت قلم، ۱۳۶۱.
- ۱۳- درباره شهادت زید و اثراآت آن مراجعه شود به: مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ج ۲، ص ۱۸۲. جمال‌الدین احمد بن علی، عمده‌المطالب، نجف، ۱۳۳۷ق، ص ۲۴۸. حسین کریمان، سیره و قیام زید بن علی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، باب سوم: قیام و شهادت زید، صفحه ۲۳۹ به بعد. ابوعلی بلعمی، ترجمه تاریخ طبری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران سابق، ۱۳۴۴ ش، حوادث سالهای ۱۵-۱۳۲، ص ۴۳۶. هندوشاه نخجوانی، تجارب‌السلف، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۴، ص ۸۱.

مقاله بکار برده است یا مترجم و مترجم محترم که تاکنون چندین کتاب در زمینه تاریخ ایران اسلامی ترجمه نموده‌اند باید به صرافت دریافته باشند که علویان طبرستان لقب «شاه» نداشته‌اند و از اینگونه اشتباهات در جلد پنجم تاریخ کمبریج که توسط همین مترجم محترم ترجمه گردیده فراوان دیده می‌شود و شایسته است اینگونه کتابهای تاریخی که معروفیت علمی هم دارند با تزلزل و وسواس علمی بیشتر ترجمه شود.

- ۲۰- اسمعیل مهجوری، تاریخ مازندران، ج اول.
- ۲۱- لین پل، طبقات سلاطین اسلام، ص ۹۲. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۳۳۹. اولیاء الله آملی، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۳-۹۲. حسن کریمان، سیره و قیام زیدبن علی، ص ۳۷۴، دایرةالمعارف فارسی، ذیل علویان طبرستان، ج ۲، ص ۱۷۶۰.
- ۲۲- تاریخ سیستان، مؤلف مجهول، ص ۲۵۱، ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۲۵۶.
- ۲۳- تاریخ طبرستان، ص ۲۵۷.
- ۲۴- سید کاظم روحانی، تاریخ رودسر و توابع (نسخه مخطوط) ورق ۱۶.
- ۲۵- سید ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تصحیح محمدحسین تسبیحی، انتشارات مطبوعاتی شرق، تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۵۵.
- ۲۶- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۹۴.
- ۲۷- رک: لین پل، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال.
- ۲۸- مولانا اولیاء الله آملی، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سابق، تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶.
- ۲۹- مأخذ یاد شده.
- ۳۰- سید ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۵.
- ۳۱- مأخذ یادشده، ص ۱۵۴ و ۱۵۵. حبیب‌السیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳، ص ۴۱۶. ابودلف، سفرنامه ابودلف در ایران، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، کتابفروشی زوار، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۷۹.
- ۳۲- استاد محمد صابرخان، در پیرامون شیعیان گیلان، مجله آینده، ج ۶، سال ۱۳۵۹، ص ۳۵۳.

- ۱۴- گذشته از منابع شماره قبل مراجعه شود به: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، تهران، ۱۳۰۷ ق، ص ۲۷۸، شهرستانی، الملل و السنن، ج اول، ص ۲-۲۵۱ سید ابوالقاسم رضوی اردکانی، شخصیت و قیام زیدبن علی، تهران مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵-۲۸۷. عبدالرفیع حقیقت، جنبش زیدیه در ایران، تهران، انتشارات آزاد اندیشان، چاپ اول، ۱۳۵۹، ص ۲ به بعد.
- ۱۵- حسین کریمان، سیره و قیام زید بن علی، باب سوم، قیام و شهادت زید، ص ۲۳۹. برای آگاهیهای بیشتر مراجعه شود به سیوطی، تاریخ الخلفاء، محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، عسقلانی، الصواعق المحرقة، موسوی المقرم، زید الشهدی، چاپ نجف.
- ۱۶- رک: تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، گردآورنده رن فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، ۱۳۶۳، امیر کبیر، بخش فرمانروایی علویان بر طبرستان، ج ۴، ص ۱۷۹ به بعد، استانلی لین پل، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۱۱۴. برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، صفحات ۱۲-۳۱۰، غلامرضا انصافیپور، روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران (از اسلام تا یورش مغول)، تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بخش هفتم، صفحات ۱۷-۲۱۳.
- ۱۷- احمد کسروی، شهریاران گمنام، ص ۱۸. مقایسه شود با کتاب دودمان علوی، تألیف رابینو، ترجمه سید محمد طاهری شهاب.
- ۱۸- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران، ص ۲۳۵.
- ۱۹- عبدالرفیع حقیقت، جنبش زیدیه در ایران، ص ۵۳. عباس زریاب، ملاحظات دربار سلسله پادوسپانان طبرستان، مجله تحقیقات اسلامی، سال اول، شماره ۲ و سال دوم شماره ۱، تهران ۶۶-۱۳۶۵، ص ۸۹-۷۹. فرای، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمه حسن انوشه، بخش ششم به نام سلسله‌های کوچک شمال ایران: فرمانروای علویان بر طبرستان، ص ۱۷۹. (لازم به یادآوری است که در صفحه ۱۸۰ کتاب، اصطلاح «شاهان علوی» را معلوم نیست مؤلف و نویسنده